

تدریس ادبیات جلسه ۱

به نام آنکه جان را فکرت آموخت
چراغ دل ، به نور جان برافروخت
ز فضلش ، هر دو عالم گشت روشن
ز فیضش خاک آدم ، گشت گلشن
جهان ، جمله ، فروغ نور حق دان
حق اندر وی ، ز پیدایی است ، پنهان
خرد را نیست تاب نور ان روی
برو از بهر او ، چشم دگر جوی
در او هر چه بگفتند از کم و بیش
نشانی داده اند از دیده ی خویش
به نزد آنکه جانش در تجلی است
همه عالم ، کتاب حق تاعلی است

" محمود شبستری "

سلام بر دوستان و همکاران بسیار عزیز

سپاس خدای عز و جل و توانا را که فرصتی بدست آمد تا دوباره کارمان را بنگریم و کاستی ها و قوت ها را بیابیم و راه درست و سنجیده را برگزینیم. با کسب اجازه از محضر استادان و همکارانم ، در اولین جلسه از بررسی کتاب فارسی ، می خواهیم با همکاری دوستان مروری داشته باشیم بر محتوای کتاب

کتاب فارسی ، مشتمل بر ۶ فصل و ۱۷ درس ، شامل ۶ شعر تحت عنوان " بخوان و حفظ کن " و ۶ مورد بخوان و بیندیش . میباشد. که با ستایش آغاز و با نیایش خاتمه پیدا می کند .

در متن کتاب در درس آزاد یکی به نام ادبیات بومی و دیگری فرهنگ بومی گنجانده شده است .

در اینجا می خواستم ، نظر دوستان گرامی را در مورد گنجاندن این دو درس آزاد ، تحت این عناوین ، بدونم ؟

- از آنجاییکه سنگ بنای فرهنگ مردمان ادبیات و فرهنگ همان منطقه می باشد، باعث آشنایی بیشتر و تعمیق فراگیر میشود.

دقیقا ، گروه مؤلفین کتاب فارسی ، در اینجا ، این اجازه را به معلمان و دانش آموزان داده اند که در ادبیات بومی و فرهنگ بومی منطقه خودشان چیزهایی بنویسند و به کتابشان اضافه کنند .

همکاران توجه فرمایید ، که گروه مؤلفان کتاب فارسی اصول و اهدافی را مورد توجه داشته اند و برای رسیدن به آن اهداف توجه به چه نکاتی لازم است ؟

- در واقع خواسته اند بین فرهنگ کل و خرده فرهنگ ها ارتباط برقرار کنند

تدریس ادبیات جلسه ۱

۱- شکوفایی فطرت الهی با تکیه بر نگرش فرهنگی تربیتی

۲- پرداخت همزمان به مهارت خوانداری و نوشتاری و مهارت های فرا زبانی

۳- حرکت از زبان به سوی ادبیات

- یعنی تدریس مبتنی بر رویکرد ملی؟

همکاران عزیزم ، لطفا همکاری بفرمایید ، نظراتتون مهمه ، بنویسید لطفا

بند ۳ اشاره دارد به " حرکت از زبان به سوی ادبیات " ، ایا زبان با ادبیات فرق دارد ؟

زبان کدهای سازنده و ترجمان یک ادبیات است.

در اینجا لازم است که :مروری داشته باشیم بر ادبیات : مفهوم اصطلاحی: ادبیات، خوی یا ملکه ای است که آدمی را از لغزش در رفتار و بیان باز می دارد. در این تعریف، لغت «رفتار»، تمام آداب اجتماعی و ویژگی های اخلاقی را در بر می گیرد. چنان که لغت بیان، نیز مفهومی عام دارد و مصادیق آن، چنان که در موضوع ادبیات خواهیم دید، متعدد است.

موضوع ادبیات: رفتارهای فردی و اجتماعی، لغت، اشتقاق، صرف، نحو، معانی، بیان، قافیه، عروض، بدیع، نقد و سخن سنجی، خط، تاریخ، هنر، علم، فلسفه، عرفان، اعتقادات، آداب و رسوم، روانشناسی، جامعه شناسی، انسان شناسی و غیره است

حالا دوستان خوبم فایده ی ادبیات :

۱- ادبیات، آدمی را از لغزش در رفتار و کردار بازمی دارد و به سوی تهذیب و کمال جویی ترغیب می کند.

۲- از رهگذر ادبیات آدمی می تواند احساسات، عواطف، دانشها، آگهی ها و مکنونات ضمیر خود را به دیگران برساند و از اندیشه ها و عواطف دیگران بهره مند شود.

۳- به کمک ادبیات، انسان زیباییها و زشتی ها را می شناسد، از زیبایی ها لذت می برد و از زشتی ها دوری می کند.

۴- ادبیات می تواند حقایق اموری را که بر اثر عادت زدگی، قادر به درک آنها نیستیم، نشان دهد.

تدریس ادبیات جلسه ۱

۵- ادبیات از طریق استعاره، ایهام، کنایه، رمز و دیگر شگردهای بلاغی، ناگفتنی‌ها را به صورت رمزی و پوشیده، انتقال می‌دهد.

۶- ادبیات، ارزشهای انسانی اصیل، همچون عشق و محبت را در شکلهای جاودانه به تصویر می‌کشد.

با این مقدمه و شرح کوتاه برسیم به تفاوت زبان با ادبیات: زبان مجموعه‌الفاظی است که به عنوان یک دستگاه نظام یافته صوتی برای ایجاد ارتباط میان افراد یک اجتماع بکار می‌رود و از این حیث، همه زبانهای ابتدایی و پیشرفته دارای ارزش مساوی است. آنچه موجب تمایز و اختلاف است، فرهنگ و تمدن و ادبیات آنهاست. به تعبیر دیگر زبان بر دو نوع است: ۱- زبانی که جنبه انفعالی ندارد و برای بیان نیازهای آدمی و تحلیل مسائل علمی و فنی بکار می‌رود. ۲- زبانی که در ایجاد انفعال و هیجان مؤثر است.

از این رو ادبیات، کاربرد هنری زبان، برای خلق معانی جدید و تصویر سازی، به کمک شگردهای زبانی و بیانی است. در زبان عادی، چگونگی بیان، اهمیت ندارد، اما در زبان ادبی (ادبیات)، کیفیت بیان، بسیار مهم است کلام ادبی، اموری را که قابل دیدن نیستند، به شیوه هنری و تخیلی انتقال می‌دهد.

با این نگرش، ادبیات پهنه گسترده‌ای است در برگیرنده گذشته و حال و با جمع و تلفیق این دو، بر آن است تا آینده را شکل و جهت بخشد و معنا و هدف خود را در این نکته بیابد. شعر، رمان، متون مختلف نظم و نثر و دیگر گونه‌های ادبی، ابزار ایجاد این معناست. از این رو افزون بر جاذبه‌ها و انگیزه‌های زیبای فکری و روحی که ادبیات برای آدمی می‌آفریند، می‌توان به سرشت اجتماعی بودن و مسئولیت آفرینی آن نیز پی برد و رمز شیفتگی و فریفتگی همه ملت‌های بزرگ و دلیل شیدایی و سرمستی جان‌های سترگ را نسبت بدان دریافت. ادبیات، همه افراد و ملل را آن چنان که بوده‌اند و هستند، در قالب زیباترین و شیواترین گونه می‌نمایاند و در این نمایش از هر چه زیبا و کمال آفرین است، در خور پیام و هدف خویش بهره می‌گیرد.

برگرفته از کتاب زبان و ادب فارسی نوشته‌ی مرتضی پرویزی

با اجازه از محضر دوستان برگردیم به موضوعات کتاب فارسی پایه ششم

دوستان، به طور کلی همیشه گفت فارسی ششم، دارای مطالب نظم و نثر است

تفاوت نظم با نثر چیست؟

نظم: به معنی به ریشه کشیدن دانه‌های تسبیح و مروارید است و در اصطلاح ادبی به سخنی گفته می‌شود که پای بند وزن و قافیه باشد و به سخنی که به شکل نظم باشد را "منظوم" گویند.

تدریس ادبیات جلسه ۱

شعر سخن موزون و خیال انگیز است و تفاوت آن با نظم در آن است که نظم کلامی موزون و قافیه دار است ولی شعر کلامی موزون و خیال انگیز است .

نثر : به معنی پراکندن و انتشار دادن است ، و در اصطلاح ادبی به سخنی که دارای وزن و قافیه نباشد ، گفته میشود . و سخنی را که به شکل نثر باشد متن " منثور " می گویند

ما دو نوع نثر داریم ، نثر قدیم و نثر جدید

حالا انواع نثر قدیم :

۱- نثر ساده : ساده و روشن ، با جملات کوتاه و دور از کلمات عربی و بهر نگرش از مترادفات

۲- نثر مسجع و فنی : به کار بردن انواع سجع - مترادفات - تشبیهات و توضیحات شاعرانه

۳- نثر مصنوعی و متكلف : سرشار از تكلف - بهره گیری از سجع های متوالی و دشواری دریافت معنی

تا یادم نرفته نثر قدیم از آغاز قرن چهارم تا مشروطه را شامل می شود

در کتاب فارسی پایه ششم سه نوع خط نگارشی وجود :

۱ - خط نسخ یا خواندنی : خطی است که در کتاب ها و روزنامه ها استفاده می شود . مانند خط قسمت های بخوان و بیندیش کتاب سال گذشته

۲ - خط تحریری یا نوشتنی : خط متن درس ، تا دانش آموز هنگام رونویسی آن را تمرین کند .

۳ - خط نستعلیق ساده یا هنری : همان خطی که شعرهای کتاب با آن چاپ شده تا دانش آموزان با دیدن آن به زیباییها و ظرایف آن انس بگیرند .

در اینجا برسیم به روش مناسب تدریس ادبیات فارسی در دوره ابتدایی .

در مورد روشهای مناسب تدریس در دوره ابتدایی و پایه ششم پرسیدم

نظر همکاران :

- روش ایفای نقش البته نه برای همه دروس

- بهتره دانش آموز محور باشه

- ایفای نقش خوبه اما تلفیقی

- روش تدریس هر چه به دانش آموز محوری و پژوهش گری نزدیک تر بشه بهتره

تدریس ادبیات جلسه ۱

- تدریس ادبیات بیشتر روش تلفیقی جواب میده
- بله برای هر درس معلم باید برنامه ریزی در روش تدریس داشته باشد ولی همه درس ها به چیز مسلمه دانش آموز محور بودن .
- یه جایی دانش آموز خودش رو بجای شخصیت های داستان بگذاره خوبه اما یه جایی لازمه آموزگار نقشاصلی رو بر عهده بگیره بهتره
- ولی به نظر من این روشها برای آموزش ادبیات فارسی پایه ششم مناسب باشند . ۱- یادگیری از طریق همیاری
- ۲- شیوه نمایشنامه ای (ایفای نقش) ۳- شیوه بحث گروهی ۴- الگوی بدیع پردازی یا نو آفرینی
- فکر کنم معلمی سر کلاس موفق خواهد شد که از چندین روش تدریس سر کلاسش استفاده کند و تلفیقی از چند روش تدریس باشه
- رابطه ادبیات با فرهنگ
- مطالعات فرهنگی کلیت یک فرهنگ را آماج پژوهش خود قرار می دهد و ادبیات را هم دلالتی دیگر در کنار پدیده های دلالت مندی چون سینما، تلویزیون، تفریحات، پوشاک و... می داند. در واقع ادبیات هم دالی است که به مدلول فرهنگ ارجاع می دهد و برای تحلیل آن نمی توان تنها به مطالعات ادبی بسنده کرد و ناچاریم به مطالعات میان رشته یی بپردازیم و برای تحلیل از رشته های دیگر کمک بگیریم. رشته هایی چون جامعه شناسی، روانکاوی، فلسفه و...
- این مطالب اگه دوستان میدونند ارزش فوروارد کردن دارد و میخواهند در گروه های دیگه منشر کنند ، نه تنها از نظر من هیچ اشکالی ندارد بلکه مایه فخر و مباهات خواهد بود .
- یکی از الگوهای تدریس که باعث پرورش ظرفیت مشکل گشایی دانش آموزان و هدایت آنها به بیان اخلاق و گسترش انگاره های جدید عقلی از طریق توجه به بعد عاطفی و غیر معقول می گرد .الگوی بدیع پردازی است .
- در این الگو به وسیله ی فعالیت استعاری به جریان آگاهانه تبدیل می شود از این الگو برای تدریس انشا استفاده می شود زیرا بیشتر از هر درس دیگر نیار به پرورش تصورات ذهنی برای خلق چیزی جدید دارد .
- هدف اساسی نو آفرینی یا بدیع پردازی ، شکستن سد قواعد مرسوم و ایجاد راه های جدید برای حل مسائل می باشد .